

تقریر درس خارج اصول فقه آیت الله اراکی دامت برکاته

مقرر	حجت الاسلام محمدعلی زحمت کش	جلسه	۸۶	تاریخ	۱۴۰۱/۰۳/۰۲
عنوان ۱	حجیت ظن				
عنوان ۲	قواعد دللیت ظن مطلق				
عنوان ۳	مطلب چهارم: اصل، در هنگام شک در حجیت ظن				
عنوان ۴	تقریب مرحوم شیخ <small>رحمته</small> از «اصالة عدم الحجية عند الشك في الحجية»				
عنوان ۵	تعليق ما بر كلام استاد شهيد <small>رحمته</small> و شيخ اعظم <small>رحمته</small>				

مرور درس گذشته

اصل بحث ما در تقریری بود که شیخ اعظم برای اثبات «اصالة عدم الحجية عند الشك في الحجية» آن را بیان کردند و آن تمسک به ادله حرمت اسناد بغیر علم بود که فرمودند ادله حرمت اسناد بغیر علم، شامل شک در حجیت می شود؛ لذا در هنگام شک در حجیت، به استناد ادله حرمت اسناد بغیر علم، به عدم حجیت حکم می کنیم. استاد شهید تعلیقی بر فرمایش شیخ داشتند که آن را نیز بیان کردیم. بحث امروز در تعلیقاتی است که بر بیانات شیخ اعظم رحمته و استاد شهید رحمته داریم.

تعليق ما بر بيان شيخ اعظم رحمته

ما در توضیح مقصود از «اصالة عدم الحجية عند الشك في الحجية» گفتیم که مقصود آن است که در هنگام شک در حجیت، همان اصول عقلی ای جاری می شود که در موارد عدم الحجية جاری می شود؛ که این اصل عقلی جاری در موارد عدم الحجية، دو اصل است: یا به قاعده قبح عقاب بلا بیان تمسک می کنیم و اصالة البرائة عقلی جاری می کنیم و یا اصالة الاحتياط عقلی بنا بر قاعده حق الطاعة. همین اصول جاریه در موارد عدم الحجية، در هنگام شک در حجیت نیز جاری می شوند؛ توضیح آنکه:

اگر مشکوک الحجية، دلالت بر ترخیص داشت، بنا بر قاعده قبح عقاب بلا بیان، همان قاعده جاری خواهد بود چه این دلیل مشکوک الحجية وجود داشته باشد و چه وجود نداشته باشد و اگر این دلیل مشکوک الحجية، دلالت بر الزام داشت، در این صورت نیز قاعده قبح عقاب بلا بیان جاری می شود؛ زیرا فرض این است که در اینجا مشکوک الحجية وجود دارد و شک در حجیت نیز لا بیان است؛ لذا چه این مشکوک الحجية باشد و چه نباشد، بنا بر قاعده قبح عقاب بلا بیان، همین قاعده جاری خواهد شد.

و همچنین اگر قائل به حق الطاعة و اصالة الاحتياط شدیم، اگر دلیل مشکوک الحجية، دلالت بر ترخیص داشت، گرچه این مشکوک الحجية است اما چون احتمال الزام وجود دارد، اصالة الاحتياط عقلی جاری است و این مشکوک الحجية ای

که دلالت بر ترخیص می کند، اصل احتیاط عقلی را برطرف نمی کند؛ زیرا با مشکوک الحجیة بودنش، احتمال الزام از بین نمی رود و بنا بر قاعده حق الطاعة، صرف الاحتمال وجود الزام، در جریان اصالة الاحتیاط عقلی کفایت می کند. اگر دلیل مشکوک الحجیة، دال بر الزام بود، به طریق اولی قاعده اصالة الاحتیاط جاری خواهد بود؛ زیرا احتمال الزام را تأکید می کند؛ بنابراین در دو حالت، اصالة الاحتیاط عقلی جاری خواهد بود.

بنابراین فرمایش شیخ رحمته الله علیه مبنی بر استدلال به ادله حرمت اسناد بغیر علم، خارج از محل بحث ماست. در اینجا خطلی صورت گرفته است بدین شرح:

گاهی ما دنبال این هستیم که بدانیم چه حکم شرعی در موارد شک در حجیت جاری می شود؛ یعنی شک در حجیت، موضوع چه حکمی از احکام شرعی می تواند قرار می گیرد؛ اگر بحث ما این بود، فرمایش شیخ رحمته الله علیه جاری بود که ادله حرمت اسناد بغیر علم، در موارد شک در حجیت جاری است و حکم حرمت اسناد را بر موارد شک در حجیت مترتب می کند؛ اما شک در حجیت، تنها موضوع حرمت اسناد بغیر علم نیست؛ بلکه شک در حجیت، موضوع احکام شرعی متعددی می تواند باشد؛ مثلاً حرمت التزام قلبی (که اعم از حرمت اسناد است)؛ لکن بحث ما درباره احکام شرعی مجعوله بر موضوع شک در حجیت نیست؛ بلکه بحث ما این است که هنگام شک در حجیت، اصل عقلی چیست؟ بحث بر اصل عقلی است و نمی تواند بحث اصل شرعی باشد، زیرا اصل شرعی با شک در حجیت تنافی دارد؛ زیرا در صورت وجود اصل شرعی، خود، حکم شرعی ای بود که بر شک در حجیت مترتب می شد و این دیگر اصل «عدم الحجیة عند الشک فی الحجیة» نمی شود. معنای اینکه می گوئیم «اصالة عدم الحجیة عند الشک فی الحجیة»، یعنی اصل عقلی جاری در هنگام شک در حجیت این است؛ زیرا اگر اصل شرعی در هنگام شک در حجیت وجود داشت، دیگر شک در حجت وجود نداشت؛ زیرا دلیل اصل شرعی، رافع شک در دلیل شرعی است؛ زیرا برای ما حکم شرعی دیگری تشریح می کند که ما را از شک در حجیت خارج می کند و این خود به معنای حجیت است؛ به عبارت دیگر شک در دلیل اولی داریم و بعد دلیل ثانوی می آید و برای ما حکمی درست کرد که این حکم، شک ما را در حکم شرعی ثانوی از بین می برد؛ اینجاست که می گوئیم خلط صورت گرفته است.

خلاصه اشکال ما بر کلام شیخ اعظم رحمته الله علیه این است که بحث ما در اصل عقلی در هنگام شک در حجیت است؛ اما اینکه شما دلیل شرعی برای اثبات حکم شرعی عند الشک فی الحجیة بیاورید، خارج از موضوع بحث ماست.

تعلیق ما بر کلام استاد شهید

ما دو تعلیق بر کلام استاد شهید داریم:

تعلیق اول همان تعلیقی است که ما بر فرمایش شیخ وارد کردیم؛ یعنی اینکه این تفصیلی که استاد شهید بیان کردند که مبتنی بر این بود که ادله حرمت اسناد بغیر علم بر چه مبنایی با عدم حجیت تلازم دارد و...، سبک بحث بی مبنایی است؛ زیرا اینکه ما بحث کنیم شک در حجیت، ملازم با حرمت اسناد غیر است یا نیست، بحث از این است که آیا شک در حجیت، موضوع حکم شرعی دیگری است یا موضوع حکم شرعی دیگری نیست؛ در صورتی که بحث ما در اینجا نیست که شک در حجیت، موضوع حکم شرعی است یا خیر؛ بلکه همانطور که گفتیم، بحث ما در «اصالة عدم الحجیة عند الشک

فی الحجیة»، اصل عقلی در هنگام شک در حجیت است؛ نه حکم شرعی مترتب بر موارد شک در حجیت؛ به توضیحی که در بالا گذشت.

بحث «اصالة عدم الحجیة عند الشک فی الحجیة»، بحث ما قبل الشرعی است؛ یعنی وقتی شک کردیم که شارع چیزی را حجت قرار داد یا حجت قرار نداد، چه اصلی باید جاری شود؟ این اصل، ذاتاً اصل قبل شرع است؛ زیرا موضوع این اصل، شک در حکم شارع است؛ لذا اگر بگویید حکم شرعی آن چنین است، با موضوع بحث سازگار نیست. به عبارت دیگر، متعلق شک، خود حجیت شرعی است؛ در چنین جایی اگر بخواهیم به اصل شرعی تمسک کنیم و بگویید حجیت شرعی داریم، با شک در حجیت سازگار نیست؛ زیرا در این مورد، شارع تکلیف را معین کرده و لذا چون حجتی داریم که تکلیف ما را معین کند، دیگر شک در حجیت معنا ندارد؛ این همان اشکالی است که بر مرحوم شیخ وارد کردیم. ممکن است این مطلب در ذهن استاد شهید بوده باشد اما سبک بیان ایشان، شیوه بحثی است که وجود الحجة در آن مفروض است و فرض وجود الحجة، با فرض شک در حجت، با یکدیگر تنافی دارند.

ایراد دوم ما به استاد شهید، مربوط به مطلب آخر ایشان بود که در مبنای سوم مرحوم شیخ رحمته الله علیه بیان داشتند. مبنای سوم این بود که صرف احتمال حجیت، مانع از جواز تمسک به ادله حرمت اسناد بغیر علم نشود.

استاد شهید فرمودند بر مبنایی که ما در حکومت داریم که روح و جوهر حکومت را همان جوهر تخصیص می دانیم، شک در حجیت که به همراه احتمال حجیت است، مانع از تمسک به ادله حرمت اسناد نمی شود؛ زیرا اطلاق ادله حرمت اسناد بغیر علم، شامل مواردی که احتمال حجیت وجود دارد نیز می شود؛ اما اگر ما مبنای میرزای نائینی در حکومت را پذیرفتیم که معتقد بود حجیت به معنای جعل علم تعبدی است و نیز دلیل حاکم، رافع موضوع دلیل محکوم است؛ وقتی شک در حجیت وجود دارد، به این معناست که در تحقق موضوع دلیل حرمت اسناد بغیر علم شک داریم؛ زیرا نمی دانیم حجت است یا نیست؛ لذا در این مورد نمی توانیم به ادله حرمت اسناد بغیر علم تمسک کنیم زیرا این تمسک، تمسک به عام در موارد شبهه مصداقیه است؛ به توضیحی که در جلسه گذشته بیان شد.

ما بر این کلام استاد شهید نیز ایراد داریم:

اولاً اختلاف مبنایی که در تعریف حکومت وجود دارد که ما معتقدیم حکومت، توسعه یا تضییق تعبدی در موضوع است (رفع موضوع نمی گوئیم زیرا معتقدیم رفع موضوع، ورود می شود)؛ نتیجه اش نتیجه تخصص است اما تخصص نیست؛ زیرا تخصص احتجاج به تعبد ندارد. با این اختلاف مبنایی کاری نداریم.

اینکه ایشان فرمود بنابر مبنای میرزا اگر در هنگام شک در حجیت بخواهیم به ادله حرمت اسناد بغیر علم تمسک کنیم، تمسک به عام در شبهه مصداقیه می شود، این حرف صحیح نیست و تمسک به عام در شبهه مصداقیه نمی شود؛ زیرا هنگامی که برای ما شک در حجیت حاصل می شود، با توجه به اصل عقلی جاری، شک در تحقق موضوع اسناد بغیر علم نداریم؛ به عبارت دیگر در موارد شک در حجیت، علم حقیقی وجود ندارد؛ علم تعبدی نیز وجود ندارد زیرا برای اثبات علم تعبدی، علم به تعبد لازم است و مرحوم میرزا بر این تأکید دارند که حجتی حجت است که ما علم به حجیت آن داشته باشیم؛ لذا در اینکه این مورد، عدم علم است، شک در اینکه آیا تعبد شرعی شامل آن شده یا نشده، کافی است؛ و می شود موضوع حرمت اسناد بغیر علم و عمومات حرمت اسناد بغیر علم شامل آن می شود. خلاصه اینکه مجرد شک در حجیت، این مشکوک الحجیت را در موضوع غیر علم بودن باقی می گذارد؛ همانطوری که قبل از تعبد موضوع غیر علم شامل آن

می شد؛ اکنون نیز بعد از شک در حجیت، در موضوع غیر علم بودن باقی خواهد ماند و تمسک به عام در شبهه مصداقیه نخواهد بود؛ لذا این تفاوتی که ایشان مبتنی بر تفاوت در تفسیر حکومت قائل شدند، صحیح نخواهد بود.

و صلّی الله علی محمد و آله الطّاهرین